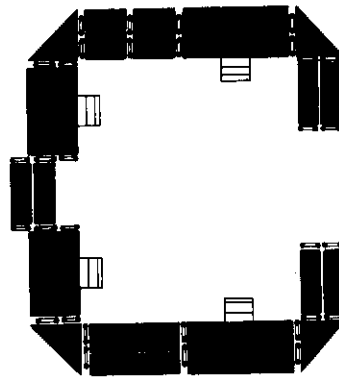
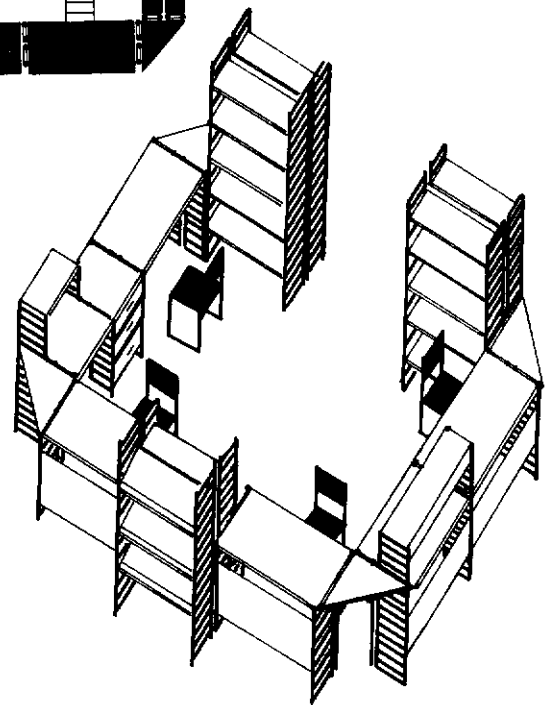


معماری ساختمان کتابخانه

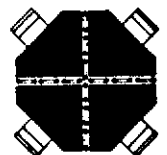


ترجمه حسین مختاری معمار



وظیفه و طرح

وظیفه اساسی ساختمان کتابخانه عبارت است از تأمین جای مجموعه کتابخانه، تدارک فضای کافی برای قسمت کارکنان و فعالیت آنها، و ارائه تسهیلاتی قابل قبول به طوری که بتوان مجموعه را مورد استفاده قرار داد. شکلی که به کتابخانه داده می شود بدون شک از اهمیت بالایی برخوردار است. در عین حال، موفقیت کتابخانه در دراز مدت بر حسب توانایی آن در برآورد نیازهای عملکردهای اصلی سنجیده



خواهد شد. این نیازمندیها را باید بر حسب اهداف و انواع نیازهای گوناگون کتابخانه ها اعم از عمومی، دانشگاهی و تحقیقاتی بزرگ یا کتابخانه اختصاصی به طرق مختلف تفسیر کرد. در طراحی کتابخانه تحقیقاتی با دانشگاهی توجه لازم به موارد زیر ضروری است:

(۱) فضای تخصیص یافته به مجموعه ها نه تنها باید جوابگوی نیازهای فعلی باشد بلکه امکان رشد برنامه ریزی شده مجموعه ها در طول مدت زمانی معقول را فراهم بیاورد.

(۲) تدارک کافی برای حفاظت و سلامت مجموعه ها از نظر درجه حرارت صحیح، کنترل رطوبت و تهویه به عمل آید و طراحی ساختمان طوری باشد که امنیت در قبال سوء استفاده تأمین گردد.

(۳) برای راحتی و آسایش خوانندگان و کارکنان کتابخانه واز جمله برای اجتناب از رفت و آمدهای غیر ضروری و وقت گیر در داخل ساختمان پیش بینی لازم به عمل آید.

همان نکات در مورد طراحی سایر کتابخانه ها هم به طور کلی مصداق دارد.

کتابخانه عمومی توجه بیشتری به نمای بیرونی جذاب، طرح راحت، و شرایط استفاده برای استفاده کنندگان مبذول خواهد داشت، به طوری که آنان بتوانند در اوقات فراغت در بین مجموعه ها گشت بزنند و نیازهای اطلاعاتی و خواندنی خود را با کارکنانی که برای همین منظور استخدام شده اند به راحتی در میان بگذارند. در کتابخانه تخصصی تأکید اساسی بر سهولت و سرعت دستیابی است.

نکته نهایی که در تمام این موارد باید به آن اشاره کرد ساختمان کتابخانه ای است که هم از نظر وظیفه و هم از نظر معماری بارز و برجسته باشد. به همین لحاظ تشریک مساعی بسیار نزدیکی مابین کتابدار و آرشیستک ضروری است تا اولی شرحی هرچه دقیق تر و کامل تر (پس از مذاکره دقیق با همکاران کتابخانه) تهیه کرده و دومی تلاش کند تا شرح تهیه شده به وسیله کتابدار را فهمیده و از نقطه نظر ساختمان آن را تفسیر نماید. مشکلات و سوء تفاهم ها از طریق مذاکرات نزدیک و مستمر برطرف می شود. همکاریهایی از این نوع تنها در سالهای اخیر متداول شده است؛ در واقع تنها در



سالهای اخیر است که مفهوم شرح کامل مدون را که به وسیله کتابدار تهیه می شود ، آرشیوکنها و حتی کتابداران مشابه پذیرفته و درک می کنند . در روزگاران اولیه ، کتابخانه ها به معابد وابسته بودند ؛ و امروزه نیز معمول است که کتابخانه را به عنوان سیمای مرکزی یک مجتمع شهری یادانگشاهی ببینیم و از اینجاست که وسوسه برپایی یک ساختمان " آبرومند " که ممکن است در آن وظیفه بر نمای ظاهر فرع قرار گیرد و اغلب هم چنین است ظاهر می گردد .

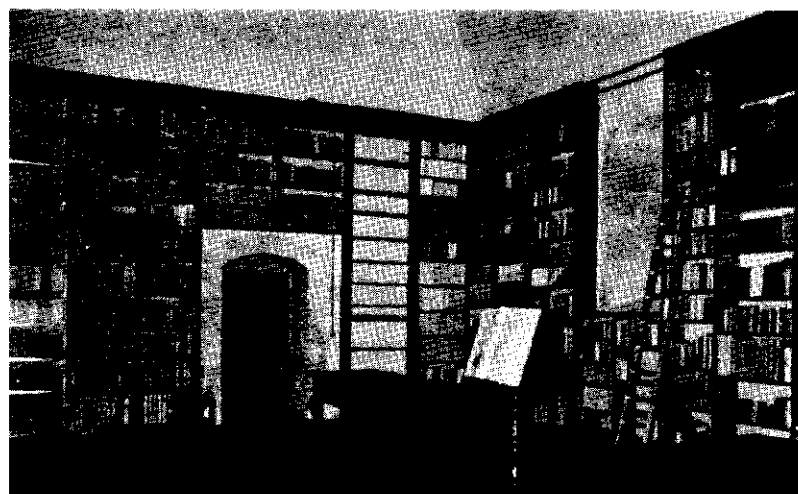
پیشرفتهای تاریخی

اتاقهای لوحه های گلی در معبد پنیورا در بابل را می توان اتاقهایی دانست که برای هدفی که داشتند وظیفه مند طراحی شده بودند ، همچنین است " اتاق آرشیو " ی که در حفاری هرکولانیوم (۲) کشف شده ؛ و در راهروهای سرپوشیده صومعه های اولیه ، گنجینه دیواری (۳) یا اشکاف کتاب برای هدفی که داشت به گونه ای مناسب و در راهروی که به خوبی روشن بود تعبیه شده بود . در کتابخانه های صومعه ها و کلیساهای جامع اواخر قرون وسطی از نظام غرفه ای برای کتابهایی که با زنجیر بسته شده بود استفاده می شد . این

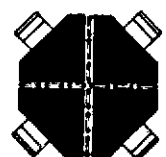
حد فاصل پنجره ها ، ردیفهای اشکاف یا گنجینه هایی که پشت به پشت قرار گرفته بودند عمود بر دیوار قرار داشتند ؛ هر گنجینه دارای دو یا سه طبقه ثابت در هر سو بود که در سطح طبقه پایین میزی به گنجینه متصل شده بود ؛ کتابها به میله درازی که در عرض گنجینه قرار داشت با زنجیر بسته شده بودند . طول هر زنجیر به قدری بود که می شد کتاب را به راحتی روی میز گذاشت و باز کرد . کتابها که در آن زمان معمولاً " زمان به قطع ورق بزرگ (۴) و یک چهارم و کلفت و پر حجم بودند ، موقعی که استفاده نمی شدند روی طبقات به گونه ای قرار می گرفتند که لبه های جلویی آنها به طرف بیرون بود و زنجیرها که معمولاً به جلد فوقانی یا تحتانی لبه جلویی بسته بودند آسیبی به صفحاتی سایر کتابهای موجود در سایر طبقات وارد نمی کردند . یک راهرو مرکزی در طول اتاق و مابین گنجینه ها قرار داشت ؛ درون غرفه های که به وسیله گنجینه ها تشکیل می شد نیمکتهای ثابتی برای خوانندگان وجود داشت به طوری خوانندگان به کتابهای روی میزها مسلط بودند و روشنایی کافی حاصله از پنجره ها مطالعه را برای آنان امکان پذیر می ساخت .

قرون هفدهم و هیجدهم .

" اتاق طولی " که یاد آور نظام قدیمیتری بود حتی در کتابخانه های قرن هفدهم و هیجدهم نیز وجود داشت . منسوخ شدن به زنجیر بستن کتابها که در عین حال با تغییر در الگوی انتشارات - با نشانه هایی از نظیر کاهش در هزینه و تعداد کثیر نشریات بویژه در ابعاد کوچکتر - همراه بود قفسه بندی دیواری را امکان پذیر ساخت . قفسه بندی دیواری ، به نوبه خود ، استفاده بیشتر از ارتفاع ساختمان را امکان پذیر نمود به طوری که هرچه دیوارها بلند تر بودند تعداد کتابهایی که می شد در قفسه ها قرار داد بیشتر می شد . علاوه بر آن ، از بین رفتن زنجیرها ، امکان برداشتن کتابها و بردن آنها برای مطالعه را فراهم آورد و محلهای نشستن را بر حسب دلخواه می شد مرتب کرد ؛ دیوارها که بدین ترتیب از بار مین و نیمکتهای خالی می شد می توانست بر حسب اقتضا مورد استفاده قرار گیرند و محوطه اصلی را می شد خالی نگاه داشت یا به عنوان محل زیبایی برای مجسمه ها و نمایشگاههایی از نوع دیگر ، مثل اتاقهای نمایش سکه



غرفه ها در جهت تأمین نیاز خوانندگان به روشنایی کافی محل کار ، به خوبی طراحی شده بودند . هر کتابخانه از یک اتاق طولی که در ضلع طولی ساختمان و معمولاً در اولین طبقه بالایی قرار داشت تشکیل شده بود و روشنایی آن از طریق ردیفهای پنجره های موجود در هر دو سو تأمین می شد . در



استفاده کرد. گاهی اوقات به فضا دار بودن و جلوه ظاهر بیش از راحتی برای مطالعه اهمیت و ارزش داده می شد. نمونه ای از تأکید بر این نوع معماری را می توان در پرانکسال در کتابخانه ملی اتریش در وین مشاهده کرد که در فاصله سالهای ۲۶-۱۷۲۳ از روی طرح یوهان فیشر فن ارلاخ برپا شده است. این طرح شامل سالن با شکوهی به سبک باروک است با ستونهایی از سنگ مرمر به سبک کورنتی تزئین شده و مجسمه شارل ششم در وسط و مجسمه های دیگری از شاهزادگان امپراتوری در راستای دیوارها قرار دارد. تعدادی از کتابخانه های کالجهای آکسفورد و کمبریج - کتابخانه رن (۸) در کالج ترینستی، کمبریج، و کتابخانه کلیسای کریست (۹)، آکسفورد - نمونه های عالی دیگری به دست می دهند. شاید آخرین شکوفایی طرح کتابخانه از این نوع، کتابخانه کینگز (۱۰) در حوزه بریتانیا است که در فاصله سالهای ۱۸۲۳ و ۱۸۲۶ و برای اسکان کتابخانه جورج سوم ساخته شد. این کتابخانه در سال ۱۸۲۳ توسط موزه خریداری شد. این کتابخانه شامل سالی است به طول ۳۰۰ پا (حدود ۱۰۰ متر) و یک نمایشگاه؛ دیوار از کف تا سقف از قفسه های کتاب پوشیده است.

تالار قرائت موزه بریتانیا. نوآوری کامل در طرح ریزی عملکردی، در تالار قرائت معروف موزه بریتانیا به عمل آمد. در اواسط قرن نوزدهم تعداد خوانندگان در مقایسه با فضاهای اختصاص یافته برای آنان در اتاقهای قرائت موجود بیش از حد لازم بود. در سال ۱۸۵۴، سرآنتونی پانیلتسی (۱۱) "عصر مهندسی" را در ساختمان کتابخانه به گونه ای درخشان به کار گرفت و مخزن کتابخانه را از چدن و با دیوارهای خارجی و پایه های آجری پهن طراحی نموده طوری که حدوداً ۱۵۰۰۰۰۰ جلد کتاب را در خود جای دهد؛ ساختمان طوری طراحی شد که تالار قرائت گرد و عظیم آن ردیفهای شعاعی مانند میزهای مطالعه با فضای لازم برای ۴۵۰ خواننده را که به طور طبیعی از طرح مدور ساختمان تبعیت می کرد احاطه کند، نظارت را آسان سازد، و دیوارهای آن فضای لازم را برای جابجایی ۲۵۰۰۰ جلد کتابهای مرجع عمومی را به روش دسترسی آزاد تأمین نمایند. "کتابخانه آهین" که کتابخانه وسیعی را در جوار تالار مطالعه فراهم آورده بود خطر آتش سوزی را کاهش می داد و با از میان برداشتن تکیه گاههای

آجری و جایگزین کردن تکیه گاههای آهنی صرفه جویی عظیمی در فضا را به نمایش می گذاشت. با به کارگیری فولاد به عوض چدن، در ساختن مخازن جدید اصلاحات بسیاری صورت گرفته و به طور کلی در فضا صرفه جویی شده است. ولی طرح اصلی این مخزن در مخازن بعدی به کار رفته است.

دوره جدید

با طرح پانیلتسی، عملکرد کتابخانه در طراحی آن یک بار دیگر مورد توجه قرار گرفت. از آن زمان تا جنگ جهانی دوم، طرح کتابخانه ها عمدتاً تحت تأثیر نحوه تفسیر آرشیوتکها از وظایفی بود که به وسیله کتابخانه انجام می شد و ساختمان آنها به ندرت بیانگر چیزی بود که عملاً در درون آنها می گذشت. سبک عمومی ساختمان به سوی آثار باستانی گرایش داشت و از این سبک (به زعم آنها) شایسته ساختمانی بود که به کارهای اصیل و ادیبانه اختصاص داشت. کتابدار درباره طرح ساختمان حرفی نداشت - در واقع، و احتمالاً حسب قاعده حرفی برای گفتن نداشت - مگر برای تعیین سهم فضای مخزن کتابها، اتاقهای مطالعه، و مراکز اداری.

قسمت معینی از ساختمان به مخزن کتابها اختصاص داده می شد و جای تعجب هم نیست که به علت رشد مداوم مجموعه کتابخانه، مخزن را اغلب به شکل برج طراحی می کردند. سالنهای مطالعه به عنوان واحدهای جداگانه معماری به حساب می آمدند و در بسیاری موارد از لحاظ تناسب فضا و از نظر دسترسی، با مخازن کتاب ارتباط نداشتند. و بالاخره، فضایی که برای مقاصد اداری و امور روزمره کتابخانه (نظیر کنترل و ضبط مواد فراهم آمده، فهرست نویسی، صحافی و غیره) در نظر گرفته می شد اغلب بدون ارزیابی صحیح از اهمیت ارتباط بین مخازن کتاب، اتاقهای مطالعه، و قاطبه مردم طراحی می گردید. طراحی با عملکرد ثابت به به وجود آمدن ساختمانهایی منجر شد که در آنها انعطاف در استفاده از فضا امکان ضعیفی داشت و در نتیجه امکان توسعه و گسترش اگرهم وجود داشت ناچیز بود. برای کتابدار که می بایست روشنایی و گرما برای سالنهای مطالعه مرتفع غیر ضروری، تالارهای پهناور و گاهی راهروها و راه پله های شبیه آثار باستانی را تحمل کند در دسر زیادی ایجاد شده بود. خواننده لازم بود از پلکانهای غیر

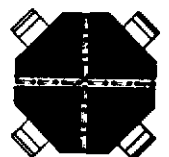




ضروری بالا رفته و مسافتهای طولانی از ورودی ساختمان تا سالن مطالعه را طی کرده و اغلب از محل استقرار فهرست ها و قفسه های کتب مرجع به محل مطالعه باز گردد .

دسترسی خوانندگان به مخازن در کتابخانه های تحقیقاتی بزرگ به ندرت عملی گردید (همیشه هم مطلوب نیست که این نوع دسترسی ضرورت داشته باشد) . با این حال کتابخانه های عمومی ، اگرچه آنها نیز اغلب در ساختمانهایی شبیه آثار تاریخی مستقر بودند ، ارائه دسترسی باز به مخازن کتابخانه های خود را خیلی زود (در انگلستان در دهه ۱۸۹۰) امکان پذیر دیدند . مخازن کتاب با قفسه های بلند ، دسترسی آزاد برای خوانندگان را غیر عملی می ساخت . دسترسی آزاد به مخازن همچنین مستلزم استفاده از نظم طبقه بندی شده کتابها بود ، به طوری که خوانندگان بتوانند موضوعات و کتابهای مورد علاقه خود را به سهولت بیابند .

تغییر سلیقه چشمگیری در طراحی و احداث ساختمان کتابخانه ها بعد از جنگ جهانی دوم رخ داد . از نظر تاریخچه کتابخانه ها و توسعه آنها توجه به علل بروز این تغییر حائز اهمیت است . در طول جنگ ، دانشمندان ، تکنولوژیست ها و دیگران به اطلاعات دقیقی احتیاج داشتند که به سرعت در اختیار آنان قرار گیرد ؛ بدون تردید نارضایتی زیادی از خدمات سنتی کتابخانه ها و به تبع آن ، طرز تلقی انتقاد آمیزی نسبت به کتابخانه ها و ویژگیهای ذاتی آنها وجود داشت . بعدها به نیازهای استفاده کنندگان و راحتی آنان توجه زیادترو دقیق تری مبذول شد . تعداد بیشتری هم از کتابخانه ها



استفاده می کردند . دانشجویان زیادی از دانشگاهها و کالجها و افراد بیشتری از عامه مردم در جستجوی اطلاعات ، آموزش و سرگرمی متوجه کتابخانه ها شده بودند . به علاوه این که پیشرفت در تکنیکهای ساختمان سازی ، طرحها و روشهای جدیدی را امکان پذیر می ساخت . و این زمانی بود که کتابخانه ها به تعداد خیلی زیاد مورد نیاز بود و علت این بود که اولاً در طول جنگ کار ساختمان سازی متوقف شده بود و ثانیاً به این خاطر که بسیاری از کتابخانه ها در اروپا و سایر قسمتهای دنیا ویران شده یا خسارت دیده بودند . انواع قدیمی کتابخانه ها با ساختاری شبیه آثار باستانی و غیر قابل انعطاف خود دیگر مورد قبول نبودند .

نگاه جدید به طرح کتابخانه که به ترتیب فوق ظهور کرده بود با گسترش نظام مدولار در ساختمان سازی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است . در ساختمان مدولار ، فضای اصلی کف ساختمان به مربع مستطیل های مساوی تقسیم شده بود و با ستونهای اصلی در گوشه ها که بار اصلی ساختمان روی آنها قرار دارد مشخص می گردد . قسمتهای فرعی این فضاها را می توان با دیوارهای غیر حمال ، مخازن کتاب و اثاثیه غیر ثابت به وجود آورد ؛ در عالم فرض می توان گفت که هیچ چیز درون ساختمان ، ثابت و غیر متحرک نیست مگر ستونها (و البته راه پله ها ، آسانسورها ، تأسیسات حرارتی ، کانالها و لوله کشی ها) ، به طوری که استفاده از فضا را می توان به دلخواه بسط یا تغییر داد .

یادداشتها:

این مقاله ترجمه ای است از :

"The library architectur.Encyclopedia Britanica'1993.Vol.13'PP.954-956

- 1.Nippur
- 2.Herculaneum
- 3.Armarium
- 4.Folio
- 5.quarto
- 6.Prunksaal
- 7.johann Fischer Von Erlach
- 8.Wren
- 9.Christ
- 10.King's Library
- 11.Sir Anthony Panizzi
- 12.Modular

